



کرده‌اند. در این نوشته مختصر، تصویری بازوایای مختلف از قرآن، از منظر خاور شناسان ارائه می‌دهیم. فصاحت و بلاغت و معجزه ادبی قرآن در فصاحت و بلاغت قرآن کریم و لحن و گفتار جذاب و ادیبانه این معجزه بی‌نظیر الهی هیچ شک و تردیدی وجود ندارد و در قرآن مجید و سخن معصومان علیهم‌السلام و اندیشمندان به تصریح یا تلویح و اشاره مورد بحث قرار گرفته و به آن اعتراف شده است.

گوستاو لویون (۱۸۴۱ - ۱۹۳۱) در این باره می‌گوید: «اعراب، قرآن را فصیح‌ترین کتابها می‌دانند ... و من به این

قرآن این نور الهی همواره عروة‌الوثقیایی بوده که مستمسکین به آن را در حدی که سعه وجودیشان اجازه می‌داده، با معارف زلالش سیراب و هدایت کرده و از تاریکیهای جهل و خرافه خارج ساخته است. رهنمونی قرآن، خاص قوم و گروه ویژه‌ای نیست؛ جهانی است و همگان را در بر می‌گیرد. برای همین است که از دیر باز تاکنون مشاهده می‌کنیم افزون بر ملل مسلمان، پژوهشگران و محققان شرق و غرب عالم هم از آن بهره‌برداری کرده و به عظمت و ارزش و جایگاه بلندش اذعان و اعتراف

۴۲۱۲

است... حق آن است که تمام کتابها در برابر قرآن، ناچیز و کوچک‌اند. و این کتاب از هرگونه عیب و نقص و اصول ناپسندیده، پاکیزه و میزاست.^۱

استانلی لین پول می‌نویسد: «پیامبر اسلام یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌مقام‌ترین شخصیت‌های تاریخ جهان است و کتابش همان قرآن می‌باشد که مجموعه‌ای از وحی‌های الهی و شاهکار زبان عربی است.»^۲

ادوارد منتیت (A.MNTEAT) گوید: «تمام آنها که با قرآن در زبان عربی آشنا هستند، در ستودن لطافت و زیبایی این کتاب مذهبی اتفاق دارند. طرح عالی قرآن آن‌چنان بلند و با شکوه است که هیچ ترجمه‌ای به هیچ زبان اروپایی نمی‌تواند حق آن را ادا کند.»^۳

کارن آرمسترانگ گوید: «زیبایی بیان قرآن چنان است که تا عمق احساسات درونی افراد نفوذ می‌کند.»^۴

همو در جایی دیگر گوید: «[در باره قرآن] از یک دیدگاه می‌توان گفت که محمد ﷺ به نوعی جدید از ادبیات دست پیدا کرده که گروهی را شایسته می‌ساخت. این کلام به قدری تازه و قدرتمند بود که معجزه

به نظر می‌رسید، معجزه‌ای خارج از دستیابی بشر معمولی. به همین دلیل، محمد ﷺ دشمنان خود را به مبارزه می‌طلبید تا اگر می‌تواند نظیر آن (قرآن) را بیاورند.»^۵

جان دیون پورت گوید: «قرآن از نقطه نظر ادبی شاعرانه‌ترین اثر مشرق زمین است و قسمت اعظم آن نثری است موزون و مسجع. و این سبک، مطابق ذوقی است که از قدیمی‌ترین اعصار در این قسمت از کره ارض رواج داشته است.»^۶

مقایسه قرآن با سروده‌های شعراء قیاس مع الفارق است؛ زیرا هیچ شاعری نمی‌تواند حتی یک سوره مانند قرآن به

۱. قرآن و کتابهای دیگر آسمانی، هاشمی نژاد، ص ۲۹۹ و ۳۰۰، به نقل از: نگارشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ص ۳۵۴.

۲. اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۲۵.

۳. ترجمه فرانسوی قرآن، پاریس، ۱۹۲۹ م، ص ۵۳، به نقل از: نگارشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ص ۲۱۱.

۴. زندگی‌نامه پیامبر اسلام ﷺ، کارن آرمسترانگ، ترجمه کیانوش حتمی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶.

۵. همان، ص ۱۶۷.

۶. عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، جان دیون پورت، ترجمه غلامرضا سعیدی، ص ۹۱ (دار الفکر اسلام، قم).

وجود آورد؛ بلکه اگر تمامی شعراء زبردست و خیال پرداز گرداگرد هم جمع شوند، نمی‌توانند از عهده چنین مهمی برآیند. با این حال چون دیون پورت میزان و مقیاسی برای اظهار زیبایی ادبی قرآن و اعجاز بلاغی آن در دست نداشته، این ویژگی را به گونه مزبور بیان کرده است.

ف.ف.آر.بن (F.F.ARBN) گوید: «از نقطه نظر ادبی، قرآن به عنوان نمونه فصیح‌ترین [سخن] عربی که در سبکی بین نثر و شعر درآمده است، ملاحظه می‌شود. تعجب در این است: با آنکه قرآن از نظر لغات و طرز گرامری و جمله بندی عیناً طبق قواعد دستوری عربی است، با وجود این، با تمام همتی که دیگران به خرج داده‌اند که مانند ظرافت و بلاغت قرآن چیزی بنویسند، تاکنون موفق نشده‌اند.»^۱

پول کازانووا (P.KAZANOVA) گوید: «حتی برای آنها که مسلمان نیستند، هیچ چیز عجیب‌تر از زبان قرآن نیست که با بیانی بس رسا و طنین دل‌انگیز و گوش‌نواز، مردم آن روز را که بسیار علاقه‌مند به فصاحت بودند، مجذوب و شیفته کرده، وادار به تحسین می‌کرد.

وسعت سیلابها و طنطنه آهنگ و سجع و قافیة عجیبش، بیشتر اوقات، بسیاری از مخالفان و مشرکان را منقلب می‌کرد.»^۲

دورمان (Marry Gaylord) در کتاب به سوی شناخت اسلام (Dorman) گوید: «قرآن معجزه‌ای است جاوید و شاهد بر صدق ادعای محمد رسول خدا ﷺ. قسمتی از جنبه اعجاز آن مربوط به سبک و اسلوب انشاء آن است و این سبک و اسلوب، به قدری کامل و عظیم و با شکوه است که نه انسان و نه پریان، نمی‌توانند کوچک‌ترین سوره‌ای نظیر آن را بیاورند.»^۳

۱. اگر شعراء به ویژه شاعرانی که کارگزاران و دست پروردگان قدرتهای استکباری هستند از عهده این مهم حتی در عصر حاضر بر می‌آیند، قطعاً فرصت را از دست نمی‌داند و سروده‌های خود را برای تحریب و اضمحلال اسلام مطرح می‌کردند و دیگر نام و نشانی از این دین و پیروانش باقی نمی‌ماند.

۲. ر.ک: قرآن در نظر اروپائیان، شهید باهر (مجله اندیشه اسلامی، دفتر اول، ۱۳۶۲)، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۳. تاریخ مترقی فکر اروپا، لندن، ۱۸۷۵، ص ۳۴۳، به نقل از: قرآن در نظر اروپائیان، ص ۲۰۸.

۴. ر.ک: اسلام و غرب، ص ۱۰۶، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، نصر الله نیک بین، ص ۴۸.

۲۲۲

۲۲۱۹